



ناطمه هجرت

جدال تام و جری در خیابانهای تهران

نصب پلاکاردهای مختلف و رنگارنگ و هشداردهنده در اقصی نقاط تهران از شمال تا جنوب که از سوی شهرداری‌های مناطق مختلف صورت گرفته و در آنها از مردم خواسته شده در مبارزه علیه موش‌ها و ریشه‌کنی این حیوانات موذی و خطرناک و آلوده، به یاری عوامل شهرداری تهران بشتابند این واقعیت را آشکار می‌سازد که اوضاع پایتخت از نظر بهداشتی چندان امیدوارکننده نبوده و به قدری وخیم است که اگر مردم و مسئولین خدمات شهری دست به دست هم ندهند موش‌ها این شهر یا ابرشهر را به تصرف و اشغال خود در آورده و آن را جولانگاه خود قرار خواهند داد که در این صورت همان بلایی بر سر تهران ویتزین و کانون ایران اسلامی خواهد آمد که چند سال قبل در یکی از شهرها و ایالت‌های هندوستان شاهد بودیم که با شیوع بیماری مرگبار طاعون و مرگ دسته جمعی مردم همراه بود.

مساله موش‌های گربه‌سان که به راحتی و بدون هیچ مزاحمتی در جوی‌های مملو از لجن و آشغال شهر تهران به تردد و زندگی دسته جمعی مشغولند و انسان را به یاد کارتون‌های تام و جری می‌اندازد

موضوع جدید و قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست که به تازگی در این شهر به وجود آمده باشد بلکه از سال‌ها قبل به دلیل بی‌توجهی به نظافت و محیط زیست پایتخت، سیاسی شدن شهردارها و شهرداری‌ها که در دوره کرباسچی و پس از آن در اولین شورای اسلامی شهر تهران شاهد بودیم، فقدان یک برنامه و استراتژی برای جمع‌آوری اصولی زباله‌ها

شهرداری تهران معتقد است وظیفه‌ای در قبال مبارزه با موش‌ها ندارد

از سطح شهر و جوی‌های آب، همراه با ناهماهنگ بودن مدیریت خدمات شهری که به زیباسازی و یاد ر حقیقت ظاهر سازی شهر بیش از اقدامات زیربنایی و اصولی اهمیت می‌دهند، این معضل هم چون بلایی ناگهانی و غیرقابل پیشگیری بر مردم پایتخت نازل شده و آنها را با مشکل مواجه ساخت که خودشان نیز در پیدایش و رشد آن نقش داشتند تا حدی که امروزه

این مشکل به قدری حاد شده که رهایی از آن روز به روز سخت‌تر می‌شود و می‌تواند حیات ساکنین پایتخت را با خطر مواجه سازد.

این وضعیت به دلیل استمرار بی‌توجهی مسئولین مربوطه به عنوان یک واقعیت تلخ و ملموس از سوی مردم پذیرفته شده به طوری که زندگی در کنار موش‌های گربه‌سان که ناقل دهها بیماری مسری و واگیردار هستند به صورت یک مساله و موضوع عادی برای شهروندان درآمده است تا حدی که به جرئت می‌توان گفت که مردم از رژه موش‌ها به صورت دسته جمعی یا خانوادگی در جوی‌های مملو از

لجن و آشغال در سرتاسر شهر تهران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، متعجب نشده و حتی نگران هم نمی‌شوند به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد مردم با موش‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز دست یافته‌اند. آنها طی این سال‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که اگر قرار است کاری صورت بگیرد که ریشه‌ای باشد باید خودشان آستین‌ها را بالا زده و دست به عمل شوند

در غیر این صورت گاری از دست کسی بر نمی آید و یا اراده ای برای مقابله با چنین مشکلات و معضلاتی وجود ندارد به این دلیل که از موش کشی و یا مبارزه با موش سودی عاید کسی نشده و پورسانت و یا درصدی به جیب کسی سرازیر نمی شود. لذا بسیاری از مواردی که عنوان می شوند و یا بدفعات قبلاً عنوان گردیده شعاری بیش نبوده و فاقد پشتوانه اجرایی هستند.

گویا موش ها نیز از این مساله آگاهی و اطلاع یافته و بدون این که دغدغه ای داشته باشند از خوان نعمتی که در جوی های آب و یا ظروف زباله گسترده شده به نحو احسن بهره گرفته و زاد و ولد خود را چند برابر کرده اند.

این بار با نصب پلاکاردهای هشداردهنده رنگارنگ از جنوب تا شمال شهر به نظر می رسد مساله مهم و حاد بوده و اوضاع کاملاً بحرانی و حساس است زیرا با فرا رسیدن فصل گرما و فراوانی مواد غذایی در جوی های آب و معابر که ناشی از ناتوانی ماموران بهداشت شهرداری در جمع آوری زباله ها و نظافت جوی ها و معابر است و بی توجهی ساکنین این شهر به توصیه های عوامل شهرداری، موش ها از فرصت استفاده کرده و به شدت و با قدرت هر چه تمامتر زاد و ولد کرده و به صورت آفت و بلایی مرگبار بر سر مردم شهر نازل شده اند. در این رابطه نوشته "مسعود مهاجر" روزنامه نگار در یکی از روزنامه ها که همراه با طنز می باشد جالب توجه به نظر می رسد او می نویسد:

گرچه موش ها قادر به مطالعه تابلوهای ریز و درشت شهرداری تهران نیستند اما ظاهراً کسانی توانسته اند محتوای کاملاً دهشت انگیز پرده ها را که در همه جای شهر آویخته است به زبان "موشی" ترجمه کرده و اینک همه ساکنان لانه ها به صورت کامل در جریان "اعلان جنگ" شهرداری تهران با جامعه موش های تهران قرار گرفته اند و هر کس می کوشد تمهیدات مناسبی را به کارگیرد تا این بار نیز کوشش مسوولان شهرداری به جایی نرسد!

حقیقت اش این است که روش مقابله ما با گسترش موش های شهری، به صورت مضحکی درآمده است، در این زمینه نیز ما به جای آنکه با علت ها مقابله کنیم به مصاف معلول ها رفته ایم. ظاهراً فراموش کرده ایم که هر جانوری محیط مناسب

طبیعی را برای رشد و نمو احتیاج دارد و همانطور که چترهای خیابان ولیعصر بالا به دلیل دسترسی دایمی به جریان آب در تمام این ۶۰ سال اخیر، هر ساله بیش از گذشته رشد یافته، موش های شهرمان نیز توانسته اند با یافتن اماکن مستعد به رشد طبیعی خود ادامه داده و با سرعتی بسیار بیش از آن چه که در خود طبیعت اتفاق می افتد، اکنون به جمعیتی بالغ شده اند که شهرداری تهران مجبور می شود میلیاردها هزینه و تعداد زیادی از نیروی انسانی خود را به کار گیرد تا شاید بتواند سایه موش های مزاحم را از سر شهروندان کم کند.

اشتباه ما اینجاست که گمان می کنیم مردم شخصاً به تربیت موشها علاقه مندند! این موضع را می شود از فحواوی پرده های پارچهای آویخته شده از تیرهای چراغ برق شهرمان به سادگی فهمید! عبارتهایی مانند اینکه موش حیوان خطرناکی است یا موش ده ها بیماری را با خود منتقل می کند. تکرار جملاتی است که هیچکس در درستی آنها شک ندارد

طرح ضربتی مبارزه با موش ها اول مهر به پایان می رسد

و بنابراین دلیلی ندارد که پیامی را که چیزی نمی آموزد دائماً تکرار کنیم. در این میان طبعاً آن زاویه اصلی را نادیده گذاشته ایم که هیچکس متوجه نیست که رفتارهای نامناسب شهرنشینی به ایجاد خطرناکی برای شهروندان کمک می رساند که "موش کوچولو" کوچولوترین آنهاست!

او می افزاید: "باندکی ملاحظه متوجه می شویم که هم شهرداری تهران و هم سازمان حفاظت محیط زیست از فرهنگ سازی مناسبی در این بخش ناتوان مانده اند. آنان کاری نکرده اند که اکنون رسیدن به مرحله "امر و نهی" را توجیه کنند. وقتی در شهرمان هر بقال و قصابی اجازه می یابد زباله های تولیدی خود را در جوی های آب شهر رها کند موش بیچاره چه گناهی دارد که غذای کافی در اختیار می گیرد و به رشد و نمو و تولید مثل طبیعی خودش سرگرم می شود؟"

تکثیر و رشد بی رویه موش ها می تواند نوید

بیماری های واگیردار و مهلکی نظیر طاعون، ابله، سل و دهها بیماری دیگر را بدهد که در این فصل گریبانگیر مردم شده و می تواند برای آنها ددرسراز شود.

خطر جدی است

تاکنون آمارهای متفاوتی از تعداد موش های تهران ارائه شده، حال باید دید آیا چنین آمارهایی مبنای حقیقی دارد یا خیر؟ دکتر حمید ابراهیم زاده کارشناس دفتر مبارزه با بیماریهای دامی سازمان دامپزشکی می گوید: آرایه آمار بر اساس دو روش تخمین و مشاهده صورت می گیرد. به عنوان مثال، اگر دو موش نر و ماده داشته باشید، در مدت یک سال ۱۵ هزار موش به وجود می آیند، چرا که دوره بلوغ سنی موشها خیلی کوتاه و بین شش تا هفت هفته است و تولید مثل آنها بین چهار تا هشت موش در یک دوره کمتر از ۲۵ روز است.

اهمیت موضوع در آن است که موشها در یک دوره حداکثر سه هفته ای باردار می شوند و با توجه به اینکه در مدت بسیار کوتاهی موشهای متولد شده به سن بلوغ می رسند، جمعیت آنها رشدی تصاعدی دارد. این در حالی است که یک موش یا یک جونده سالیانه هشت پوند (۲۴۵۳ گرم) غذا می خورد و ۲۰ پوند غذا را آلوده می کند.

دکتر ابراهیم زاده درخصوص انتقال بیماری از موش به انسان می گوید: "حداقل ۳۵ نوع بیماری عفونی به انسان توسط موش و دیگر جوندگان انتقال می یابد که برخی مثل تیفوس و طاعون فوق العاده خطرناک هستند. البته ما این دو مورد را در کشور نداشتیم، اما در هندوستان در سال ۱۹۹۴ طاعون شایع شد. به طور کلی کشورهایی از جمله ایران که روی مدار ۳۰ درجه شمالی و جنوبی نقشه جهان قرار دارند، کانونهای نهفته طاعون به شمار می آیند. از دیگر بیماریهایی که از طریق جوندگان انتقال می یابند، بیماری "آبله میمون" است که در آمریکا دیده شد.

موش ها علاوه بر اینکه موجودات آلوده و ناقل بیماری هستند، سالانه غذای ۱۳۰ میلیون انسان را هم می بلعند.

اما همه زیان های موش ها بیماری های آن

نیست. این جوندگان در سال، ۳۳ میلیون تن مواد غذایی را می‌خورند که اگر این غذاها به دست انسان‌ها برسد می‌تواند ۱۳۰ میلیون گرسنه را سیر کند. حالا حساب کنید در شهری مثل تهران که جمعیت موش‌های آن ۵ برابر جمعیت آدم‌های آن است، چه حجمی از مواد غذایی به وسیله این جونده از بین می‌رود و در عوض چه میزان آلودگی به محیط زندگی شهری منتقل می‌شود. این آلودگی می‌تواند به راحتی وارد خصوصی‌ترین بخش زندگی تهرانی‌ها شود.

وفور مواد غذایی به رشد و تکثیر موش‌ها کمک کرده است

درست است که این موش‌ها در مسیل‌ها و آبراهه، انبارها، میادین، مراکز تجمع ضایعات و زباله‌ها، اماکن مخروبه و کارگاه‌ها زندگی می‌کنند، اما در مناطقی از شهر به داخل خانه‌های قدیمی هم راه پیدا کرده‌اند. که اگر وضع به همین صورت پیش برود بیشتر خانه‌های تهران میزبان این میهمانان ناخوانده خواهند شد.

مهندس نعمت‌الله سیف کارشناس مسوول بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، متولی مبارزه با موش‌ها را شهرداری می‌داند و می‌گوید: در چند سال اخیر شهرداری از سطح دانشگاه‌ها ناظر نگرفته تا ما بتوانیم بر این امر نظارت کنیم. این در شرایطی است که مردم به طور مکرر از نقاط آلوده شکایت دارند و ما این نقاط را به شهرداری معرفی می‌کنیم. آنچه مسلم است اگر این امر در معابر، مسیله‌ها و پیاده‌روها کنترل نشود، به لحاظ

اقتصادی، بهداشتی و روانی خطرناک خواهد بود. واقعیت این است که طبق گزارشات مردمی و شکایت‌های عدیده، موش زیاد است و همه مردم می‌دانند وفور موش ضد سلامتی و بهداشت است. بیماری‌های اسهالی از جمله بیماری‌هایی است که از طریق موش انتقال می‌یابد و شیوه‌های آلودگی نیز به این شکل است که موش وارد انبار و آشپزخانه می‌شود و رفت و آمد مکانیکی دارد که این خود آلوده کردن مواد غذایی و احتمال بیماری اسهال را دامن می‌زند. البته الان بیماری تیفوس

خیلی شایع نیست و طاعون هم مربوط به ادوار پیش است. مهمترین مشکل کنونی، آلودگی مواد غذایی به واسطه ورود موش‌ها از فاضلابها به انبارها است. ضمن اینکه خطر گزش و ترس در خانمها را نیز داریم. تا آنجایی که به سازمان دامپزشکی مربوط می‌شود، این سازمان اطلاعات لازم را در اختیار زیر مجموعه‌های خود در استانها قرار داده و توصیه‌های لازم را به دامدارها ارائه کرده است. دکتر ابراهیم‌زاده در این باره بیان می‌کند: با توجه به آنکه در دامدارها مواد غذایی زیاد است و موشها نیز مخزن بسیاری از بیماری‌ها هستند، راهنمای عملی مبارزه را در دو بعد بهداشتی و اقتصادی به استانها اعلام کرده‌ایم. این موضوع زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بحث اتلاف مواد غذایی را مورد توجه قرار دهیم. به عنوان نمونه، در جنوب شرق آسیا از چهار درصد تا نزدیک به ۴۵ درصد خوراک دام‌ها داخل دامدارها توسط موش‌ها و جوندگان از بین می‌رود.

موش‌ها و جوندگان ناقلان بیماری‌های خطرناکی نظیر هاری، شبه طاعون و زردی هستند.

نکته جالب توجه آن است که انتقال این نوع بیماری‌ها تنها از طریق موشها انجام نمی‌شود و جوندگانی مثل سنجاب را هم شامل می‌شود. دکتر ابراهیم‌زاده در این خصوص می‌گوید: ما به عنوان سازمان دامپزشکی توصیه می‌کنیم بر اساس یک اصل کلی، هیچ حیوان وحشی نباید خانگی باشد.

روش‌های مقابله

حال که با این بیماری‌های خطرناک و ناقلان آن آشنا شدیم، باید به یک جمع‌بندی در ارائه راهکارهای لازم در جهت مبارزه با این خطرات بپردازیم و سلامت جامعه را در نظر بگیریم. در این میان، نقش مردم که همواره اهرم اتکا بوده‌اند، بسیار حائز اهمیت است، چرا که توجه به بهداشت محیط از سوی خود مردم و احساس وظیفه و مسوولیت در قبال این پدیده تضمین سلامت اعضای خانواده‌ها را به همراه دارد و اگر نخواهیم همه بار را بر دوش مردم بگذاریم باید بگوییم بدون کمک و همراهی مردم در این ارتباط، کاری از پیش نمی‌رود. ضمن آنکه مسوولان و دست‌اندرکاران شهرداری نیز باید به صورت مناموم و مستمر طرح مبارزه را پی بگیرند و از جنبه‌های تبلیغی به واسطه برخی طرح‌های مقطعی در شرایط خاص، چشم‌پوشی نکنند، اما نقطه نظرات کارشناسان در این باره اهمیت زیادی دارد.

مهندس سیف در این ارتباط می‌گوید: جمع‌آوری زباله و پاکسازی شهر از پراکندگی زباله خیلی مهم است. البته جدای از بحث بهسازی، بحث مبارزه شیمیایی هم مطرح است که اگر ما اصول بهسازی شهر را رعایت کنیم و کار اصولی انجام دهیم، شاید نیاز به مبارزه شیمیایی نداشته باشیم. هرچند سعی می‌شود از سمومی استفاده شود که آثار بقا ندارد،

شرکت بازرگانی بین‌المللی یزد پارسیانا

صادرات و واردات :

قطعات، مواد، محصولات به ویژه مواد کارخانجات نساجی

تلفن: ۶۰-۴۴۵۹-۸۷۰ و ۲۱-۸۷۰۸۱۶۸ فاکس: ۲۱-۸۷۰۸۱۶۹ موبایل: ۰۲۱-۹۱۲۳۷۷۶-۰۴۵

نشانی: تهران، خیابان ولی‌عصر، برج سپهر ساعی، طبقه چهارم، واحد ۴۰۸

اما باز هم زنجیره محیط زیست شهری ممکن است به خطر بیفتد. بر همین اساس، ما می‌گوییم سطح شهر باید تمیز باشد و مردم باید با شهرداری همگام باشند، چرا که بعضاً دیده می‌شود زباله‌ها در معابر ریخته می‌شوند و تجمع این زباله‌ها در پایین دست مسیلهای سبب گرفتگی معابرو ایجاد پناهگاه برای موشها می‌شود.

وی می‌افزاید: همین مساله و وجود غذای فرولان، باعث رشد و تکثیر موشها می‌شود، از طرفی نمی‌توانیم مقابل هر خانه یک رفتگر بگذاریم. پس قبل از هر چیز همکاری مردم با ما و شهرداری ضروری است و سپس باید نقاط بحران و وفور موشها را شناسایی و کار مبارزه را انجام دهیم. بهترین کار هم بهسازی شهر و از بین بردن پناهگاه موشها است در این راستا مبارزه شیمیایی آخرین راه حل است.

دکتر ابراهیم زاده نیز با اشاره به دستورالعمل سازمان دامپزشکی به دامتاریها که بر سه محور رعایت بهداشت، بازسازی مکانهای دامپروری، مبارزه شیمیایی (با استفاده از سموم و تله گذاری) استوار است، می‌گوید: در محیط‌های شهری و حومه، مهمترین عامل کنترل، رعایت بهداشت جمع‌آوری زباله، کانال کشی و زه‌کشی مناسب در مسیلهای داخل شهری، گذاشتن یک سری سیستم حائل (توریهایی با درزهایی کمتر از یک دهم اینچ) به شمار می‌آید و بعد باید مبارزه مستمر و منظم و حداقل ماهانه یک بار انجام گیرد. ما باید (پیک) جمعیتی و انفجار جمعیتی موشها را کنترل کنیم و گرنه با یک بار اقدام در سال که جنبه تبلیغاتی داشته باشد، نمی‌توان کاری از پیش برد. بدون شک با توجه به شرایط زیست محیطی، استفاده از سموم در درجه سوم قرار دارد زیرا در وهله اول بهداشت و بهسازی و در وهله دوم پایش و نظارت بر جمعیت چوندگان را باید مدنظر قرار داد. هم اکنون یکی از راههای مورد استفاده در دنیا استفاده از اشعه ماوراء بنفش بر اساس اذکار مسیر چوندگان و مشخص کردن تجمع اصلی کلونی‌ها است.



طرح‌های ناموفق

وقتی مسوولان شهری و مردم از گربه‌های شهر قطع امید کردند و به این موجودات هم به چشم مزاحمانی مثل موش‌ها نگاه کردند، تصمیم بر آن شد تا طرح مبارزه با موش طراحی و اجرا شود. یکی از روش‌های مبارزه با موش، طرحی بود که از طریق اطلاع‌رسانی و هشدار به مردم انجام شد. در آن شیوه بیش از ۴۰۰ چادر اطلاع‌رسانی در سطح شهر به مردم در مورد خطرات موش و شیوه‌های مبارزه با آن اطلاعاتی می‌دادند و از آنها می‌خواستند تا مناطقی که بیشتر موش مشاهده می‌شود را نشان دهند.

نتیجه این شد که یکی از مسوولان طرح اعلام کرد در طول اجرای این طرح بیش از ۳۰۰ هزار مراجعه مردمی برای دادن نشانی محل تجمع موش‌ها داشته‌اند. در این شیوه پرده‌ها و تابوهای اطلاع‌رسانی و بروشورهای ویژه مبارزه با موش، مردم را به مشارکت در این بخش از طرح تشویق می‌کردند و راههای مبارزه با آن اعلام می‌شد. اما در روش دوم طرح مبارزه با موش‌های تهران، ماموران طرح ضربتی، علاوه بر اطلاع‌رسانی و ارتباط مردمی، اقدام به طعمه‌گذاری و از بین بردن

این چوندگان کردند، به این شکل در سطح شهر تهران حدود ۲۰۱ هزار موش شناسایی شد که البته ۲۳ درصد از کل محل‌های تجمع، مربوط به منطقه ۲۰ و ۳۵ درصد مربوط به مناطق ۲۱، ۱۹، ۱۶ بوده‌اند، به عبارت دیگر حدود یک چهارم کل لانه‌های موش شهر تهران در محدوده شهری و بیش از یک سوم کل لانه‌ها هم در ۳ منطقه جنوبی این شهر قرار داشت. بعد از شناسایی لانه‌ها، طعمه‌گذاری شروع شد و در ۳۱۴ هزار مورد طعمه‌گذاری انجام شده ۶ هزار و ۷۶۳ کیلوگرم سم مصرف شد. این سموم که از نوع سم ضد انعقاد خون بود، باعث خونریزی داخلی موش‌ها می‌شد و آنها را از بین می‌برد.

در نهایت نتیجه این شد که در پایان طرح و پس از جمع‌آوری موش‌های تلف شده مشخص شد که حدود ۵۵۴ هزار موش از بین رفته است. این مساله مسوولان را امیدوار کرد تا مرحله دوم طرح ضربتی را اجرا کنند.

در مرحله دوم هم عملیات به همین شکل انجام شد با این تفاوت که مسوولان و مراکز تحقیقاتی مشاور شهرداری در این طرح اعلام کردند، در این مرحله حدود یک سوم جمعیت موش‌ها از بین رفته

کارشناسان شهری معتقدند تهران دارای ۲۵ میلیون موش است

است. انستیتو پاسور گزارش داد که در این مرحله پس از انجام وفورگیری و آمارسنجی از جمعیت موش‌ها در ۵ منطقه از مناطق بیست‌گانه تهران مشخص شد که موش‌های تهران که غالباً از نوع موش‌های انبار هستند، کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

در این گزارش منطقه ۲۰ شهرداری کانون آلودگی مشخص شده بود و محل زندگی بیشترین موش‌ها در آن منطقه گزارش شده بود. بعد از انجام مرحله دوم طرح ضربتی آمارها نشان می‌داد که تقریباً نیمی از مردم از اجرای طرح رضایت کامل داشتند.

معاون خدمات شهری شهرداری تهران می‌گوید؛ جمعیت موش‌ها نباید به طور کامل از بین برود، بلکه باید کنترل شود، و توضیح می‌دهد که به این دلیل که وجود موش‌ها برای کامل ماندن چرخه غذایی و جانوری در اکوسیستم لازم است. او طرح اخیر مبارزه با موش را دارای دو ویژگی ضربتی بودن و فراگیر بودن مبارزه با موش می‌داند. در بخش ضربتی طرح، مثل طرح‌های دیگر پایگاه‌های

۱۰ میلیارد ریال هزینه برای اجرای این طرح پیش‌بینی شده است

اطلاع‌رسانی و چادرهایی جهت ارتباط مردمی احداث شد. در این پایگاه‌ها که در ۱۱۰ نقطه تهران ایجاد شد. از نیروهای مختلف مثل اعضای NGOها هم استفاده شد. در کنار آنها اکیپ‌های تله‌گذار برای انجام عملیات تله‌گذاری در منازل شهروندان مستقر می‌شدند.

به این ترتیب شهروندان با مراجعه به این چادرها علاوه بر معرفی اماکنی که به عنوان محل تجمع و زندگی موش‌ها تشخیص داده‌اند در صورت وجود موش در منزلشان به اکیپ تله‌گذار مراجعه می‌کردند تا برای تله‌گذاری در منزلشان، به شکلی که بیشترین تاثیر را داشته باشد، اقدام شود.

در بخش فراگیر طرح، کارشناسان تشخیص داده‌اند مبارزه شیمیایی به وسیله طعمه‌گذاری مسموم را محدودتر کرده و بیشتر به جنبه فیزیکی مبارزه با موش توجه کنند. محدود کردن لانه‌ها در مناطق مختلف و از بین بردن بعضی از آنها، لایروبی‌ها و

حذف مواد غذایی پراکنده از جوی‌ها و فضاهای باز، جمع‌آوری بهینه زباله و کندن کنده‌ها و ریشه‌های به جا مانده از درختان، از جمله کارهایی است که برای مبارزه فیزیکی باید انجام شود. عنوان این بخش به این خاطر فراگیر گذاشته شده است که شرکت ساماندهی مشاغل در مکاتباتی با راه‌آهن، گمرک، مخابرات، پست و هر سازمان و ارگان دیگری که امکان می‌داد ممکن است بخشی از انبارها یا ساختمان‌ها و تجهیزات آنها به لانه موش تبدیل شده باشد، تقاضای همکاری کرده و در مکاتباتی با اداره کشاورزی هم از آنها خواست برای جلوگیری از ورود موش‌ها از زمین‌های کشاورزی اطراف به شهر،

همکاری کنند. محمدی‌زاده می‌گوید: در این طرح این آمادگی وجود دارد که در پاسگاه‌ها و مناطق نظامی و حتی نقاطی در زندان‌ها هم تله‌گذاری انجام شود. این طرح ابعاد علمی و تحقیقاتی هم دارد و فعالیت‌های این چنینی هم در کنار آن انجام می‌شود. دانشگاه‌های شهید بهشتی تهران و فردوسی مشهد طرح‌هایی در مورد رفتارهای موش و مبارزه بیولوژیک با این جانور ارائه داده‌اند.

در این طرح یک ماهه که نزدیک به هزار نفر در آن فعالیت می‌کنند، نظارت و کنترل اجرای برنامه‌ها هم پیش‌بینی شده است و هم‌زمان با اجرا هم جلب مشارکت مردم و تشویق آنها به نریختن آشغال در پیاده‌روها و جوی‌ها و بیرون گذاشتن زباله‌ها در موقع مناسب دنبال می‌شود. این طرح که به پایان رسید مبارزه با موش ادامه پیدا می‌کند و اکیپ‌ها در سطح شهر به کار طعمه‌گذاری و جمع‌آوری لاشه

موش‌ها ادامه می‌دهند.

به نظر می‌رسد شرکت ساماندهی مشاغل مزاحم برای کنترل جمعیت موش‌ها تصمیم خود را گرفته باشد. اما اگر این شیوه‌های تحقیق شده و علمی هم جوابگو نبود دیگر یکی دو راه بیشتر نمی‌ماند؛ یا مثل شورای شهر یکی از شهرهای مالزی جایزه‌ای برای شکار هر موش تعیین شود تا شاید رکوردزنی مثل مردی که یک هزار و ۱۷۵ موش را به تنهایی شکار کرد پیدا شود و یا اینکه به دنبال دارو یا ماده‌ای بگردیم که سبیل گربه‌های بی شمار شهر کمی کلفت‌تر شده و میلی به گرفتن موش پیدا کنند.

مشارکت مردم

در تحقق این طرح و اصولاً هر طرحی که در ارتباط با مردم باشد جلب مشارکت آنها ضروری می‌باشد بطوری که آنها با کمک به جمع‌آوری اصولی زباله‌ها می‌توانند به یاری شهرداری برخیزند. شهردار تهران معتقد است از محل جمع‌آوری زباله‌های جمع‌آوری شده در کانال‌ها در سال گذشته می‌توانستیم ۲۰۰ اتوبوس برای این شهر خریداری کنیم.

این مساله بیانگر میزان زباله‌ای است که در جوی‌ها ریخته می‌شود و بزرگترین منبع غذایی برای موش‌ها بشمار می‌رود.

مبارزه با موش‌ها از اول تیر آغاز شده و قرار است تا آخر شهریور به مدت ۳ ماه ادامه یابد. در این رابطه ستاد مبارزه با موش معاونت خدمات شهری شهرداری تهران یک کارگاه آموزشی در فرهنگسرای دانشجو برگزار کرد و شهرداری منطقه ۴ تهران نیز اعلام کرد که ارائه خدمات در این ارتباط رایگان است. به گفته محمزناده معاون خدمات شهری شهرداری



همایندگی تهران کامپیوتر

طراح و عرضه کننده سیستم‌های

♦ خدمات تلفن گویا: Call Center

♦ اطلاع رسانی گویا و مکتوب I.V.R

♦ پست صوتی: Voice Mail

♦ اپراتوری خودکار: Auto Attendant

♦ قابلیت ارسال پیام کوتاه روی موبایل: S M S

تهران در اجرای طرح ضربتی مبارزه با موش ۱۴۰ چادر در سطح شهر بر پا شد و ۱۰ میلیارد ریال هزینه پیش‌بینی شده بود. مهندس تابش فر معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ۸ تهران هم در تشریح این طرح گفت: برای نخستین بار مبارزه با موش به دو صورت فیزیکی و شیمیایی انجام گرفت که در مرحله فیزیکی، ضمن شناسایی محل زیست و تجمع زباله‌ها، لانه موش‌ها تخریب شدند و به منظور جلوگیری از تبعات منفی ناشی از بکارگیری سم، سعی شد موشها زنده‌گیری شوند.

وی توضیح داد، سمی که در این طرح مورد استفاده قرار گرفت از نوعی است که موش پس از ۳ تا ۴ روز دچار خونریزی داخلی شده و از بین می‌رود و بدین طریق از کوچ موشها به مکانی دیگر و ادامه زندگی آنها جلوگیری می‌شود. همچنین موشهای زنده پس از اینکه در آب خفه می‌شوند در محلولی شیمیایی آلوده‌زایی و از بین می‌روند.

مطالعات کارشناسان شهری نشان می‌دهد که در تهران حدود ۲۵ میلیون موش وجود دارد که اغلب در مسیرها، انبارها و کانهالهای آب، میادین، مراکز تجمع ضایعات و زباله، اماکن مخروبه، فضاهای باز، کارگاه‌ها و برخی منازل مسکونی قدیمی زندگی می‌کنند. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، هر ساله ۳۳ میلیون تن مواد غذایی از طریق موشها از دست می‌رود که چنانچه در چرخه مصرف باقی بماند می‌تواند ۱۳۰ میلیون انسان گرسنه را سیر کند.

طرح ضربتی مبارزه با موش‌ها در تهران نشان از حساسیت اوضاع داشت. بر اساس این طرح تعداد ۱۴۰ چادر متحدالشکل با حضور دهها تکنیسین آموزش دیده در کنار نیروهای NGO در مناطق مختلف تهران، پانزده هزار تله موش، دهها دستگاه نقلیه موتورسیکلت به منظور ورود به کوچه پس کوچه‌های باریک و سرعت بخشیدن به کار مبارزه، دهها هزار بروشور راهنمایی ویژه برخورد با موش، دهها کیلو سم تلفیقی، با همکاری بسیاری از ادارات نظیر مخابرات، برق، پادگان‌های نظامی، بیمارستانها و اداره غله و سیلو مورد استفاده قرار گرفت.

ولی جالب توجه است که مهندس تقوی مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل مزاحم شهرداری تهران می‌گوید: شهرداری تهران علیرغم

آن که مسئول مستقیم مبارزه با خطر موشها نیست اما به دلیل عدم حضور فعال و پذیرش مسئولیت از سوی وزارت بهداشت و سازمان حفاظت محیط زیست، طرحی که باید به صورت مشترک و گروهی انجام می‌شد در نهایت به شهرداری تهران تحمیل شد.

ولی سؤال این است که پاکسازی شهر از آلودگی‌هایی نظیری زباله و وظیفه کدام سازمان است؟ همچنین باید از شهرداری چی‌ها پرسیده شود که آیا با نصب پلاکاردها و شعارهای هشداردهنده که بر دیوارها نقش بسته می‌توان موش‌ها را ریشه کن کرده و جلوی تکثیر و زادوولد آنها را گرفت؟ آیا شهرداری تهران که وظیفه اصلی خود را که مدیریت خدمات شهری است به فراموشی سپرده و در عوض پاکسازی پایتخت از مواد آلاینده و زباله‌ها به پرداختن وام ازدواج روی آورده و نقش یک صندوق قرض الحسنه را ایفا می‌کند، بهتر نبود به جایگاه اصلی خود بازگشته و به رسالتی که قانون بر دوشش گذارده عمل می‌کرد؟

چه عواملی در رشد و تکثیر موش‌های گریه‌نما نقش داشته و موجب گردیده این جانوران موذی سلامتی و بهداشت میلیون‌ها شهروند تهرانی را با خطر مواجه سازند؟

نگاهی به اوضاع نابسامان شهر تهران این واقعیت را آشکار می‌سازد که وضعیت بهداشتی این شهر نه تنها مناسب نیست بلکه به صورت وحشتناکی وخیم است بطوری که اگر همه دست به دست هم ندهند و در راه پاکسازی این شهر اقدام نکنند دیر یا زود اوضاع بحرانی شده و کنترل از دست همه خارج خواهد شد.

طرف‌های مملو از زباله، جوی‌های پر از آشغال، خیابانها و پیاده‌رویهایی که نظافت نمی‌شوند، فاضلاب‌هایی که به جوی‌های آب ریخته می‌شوند، و بوی گند آنها مردم را آزار می‌دهد، رشد بی‌رویه جانوران موذی از جمله موش‌ها، گربه‌ها و سوسک‌ها و در نهایت وجود ماموران بهداشت که در عوض جمع‌آوری زباله‌ها و پاکسازی شهر، جوی‌ها و معابر را مملو از آشغال می‌کنند. همگی دست به دست هم داده‌اند تا شرایطی را به وجود بیاورند که ضریب ریسک و خطر زندگی کردن در پایتخت را که ویتترین

ایران می‌باشد بالا برده و به مرحله هشدار و اختطار برسد.

برای پیدایش چنین وضعیت ناگواری نمی‌توان فقط شهرداری و یا عوامل این سازمان عریض و طویل را که به صندوق قرض الحسنه و اعطای کمک‌های غیرنقدی به گروههای مختلف تبدیل شده، مقصر دانست بلکه مردمی که در این شهر بی‌در و پیکر زندگی کرده و با شعار "شهر ما- خانه ما" خود گرفته‌اند نیز نقش به‌سزایی در آلودگی شهر و انباشته شدن آن با انواع و اقسام زباله دارند.

اگر روزگاری یک موش در جوی آب مشاهده می‌شد همگان درصدد انهدام آن برآمده و انگشت حیرت به دندان می‌گرفتند ولی امروزه اوضاع به قدری وخیم شده که حتی رژه موش‌های گریه‌نما به صورت دسته جمعی و خانوادگی به مساله‌ای عادی و پیش پا افتاده تبدیل شده و تعجب و حیرت کسی را بر نمی‌انگیزد. در عوض، افسوس و نگرانی مردمی را در پی دارد که ناگزیر هستند در این محیط آلوده و نامطمئن زندگی کرده و در تلاش معاش باشند.

هر چند می‌توان دلایل بسیاری را برای به وجود آمدن و پیدایش این شرایط خطرناک برشمرد اما مهم‌ترین دلیل را باید در ناکار آمدی و ناتوانی سازمان‌ها و ارگان‌هایی دانست که مسئول مقابله با این نارسایی‌ها و معضلات هستند. در راس این سازمان‌ها و ارگانها، شهرداری تهران قرار دارد که از زمان روی کار آمدن شورای جدید اسلامی شهر تهران و دکتر احمدی نژاد، همواره از جانب رسانه‌های هم سو با آنها، با بوق و کرنا از کار آمدی و توانمندی این دسته سخن گفته شده و بر این مساله تاکید شده که آنها برخلاف افراد و گروه‌هایی که قبلاً نیز امور شهری را در دست داشته‌اند تهران را به بهشت برین تبدیل کرده و مشکلات شهری را ریشه کن خواهند کرد. در صورتی که واقعیت امر و شواهد، خلاف این ادعاها و شعارها را ثابت کرده است. لذا باید در انتظار پایان ۳ ماهه طرح ضربتی مبارزه با موش‌ها ماند تا مشخص شود که آیا این طرح کارآمد بوده و یا این که مثل بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ها، فاقد ارزش و کارایی بوده است؟